

# استاد علی اکبر شکارچی

و

## آساره شکارچی



« مختصر شرحی ، درباره موسیقی سنتی ، محلی ، شاهنامه خوانی و کارکرد ترانه های محلی »

موسیقی ایران یکی از بی نظیرترین موسیقی های این کره خاکبست. این موسیقی از غنای ریتم و ملودی های حیرت آوری برخوردار است که هدفمند برای بهتر زیستن و برای مقابله ستم انسان بر انسان و برای مقابله با فخر طبیعت برانسان خلق گردیده اند. راز ماندگاری این موسیقی به راز ماندگاری اشعار حافظ ، سعدی ، مولانا ،خیام و فردوسی و ... می ماند که پس از هزاران سال توانسته است از دم تیغ موسیقی سنتیزان و هجوم بیگانگان جان سالم بدر برد .

به همین دلیل تا انسان هست این موسیقی فریادرس اوست و تا کار و زندگی هست این اشعار و ملودی ها کارکرد خود را از دست نخواهند داد.

ترانه های محلی ایران چنان با گوشه های ردیف دستگاهی آمیخته اند که هرگاه درست بکار گرفته شوند ، آنان را مثل دو یار که سالها یکدیگر را گرم کرده باشند در لحظه به لحظه ملودپها و ریتم ها می توان شاهد حضورشان بود . به بیان دیگر ، میتوان سرچشمه گوشه های ردیف دستگاهی را موسیقی محلی اقوام مختلف ایرانی دانست.

به اطمینان میتوان گفت : بر خلاف موسیقی دستگاهی ،بیان اندیشه و کاربرد بودن ترانه های محلی بسیار صریح و عیان است.

بلابارتوک میگوید : ترانه های محلی علی رغم کوتاه و مختصر بودن شان ، با سوئیت های باخ برابری میکنند.

بند وصل هر ایرانی به سرزمینش ، شعر و ترانه هایی است که در طول تاریخ باریک شده ولی هرگز گسسته نگردیده است . جسارت میکند و به شما می گویم که خودتان و فرزندانتان را با شعر و موسیقی در آمیزید تا هم از هر گزند مصون بمانید و هم بند دل تان از بند دل سرزمین تان پریده و جدا نگردد.

لازم میدانم راجع به چند آهنگ شرح مختصری بنویسم.

اول شاهنامه فردوسی :

{ در طول هزار سال ،مردمی که سواد نداشتند بر گرد افراد باسواد جمع می شده اند و با گوش کردن به اشعار شاهنامه تمام آرمانهای خود را در دل افسانه ها و حماسه های داستانهای شاهنامه جستجو می کردند . قدیمی ترین شاهنامه خوان ، کاراسی شاهنامه خوان است که در اوایل قرن پنجم ، اندکی پس از خاتمه شاهنامه زندگی می کرده است و پس از آن این مراسم در خانه روستا نشینان و در چادر عشایر و کاخ شاهان همیشه جریان داشته است . }

تا جایکه نگارنده اطلاع دارد ، شاهنامه خوانی به سه شیوه :

الف : روخوانی و شعر خوانی

ب : نقالی

ج : خواندن اشعار با ملودیهای با ریتم آزاد که وزن شعر نقش مهمی در آن دارد .

شاهنامه پیکار پایای نیک و بدی ، روشنایی و تاریکی ، داد و ستم ، آزادگی و بندگی ، شاهنامه سراسر ستایش از فضیلت و خرد ، دانش و راستی و نیک و آزادگی و جوانمردی و دلیری و داد و دهش و عشق به ایران و عشق به انسان است و بیزار از بداندیشی و بدکاری و خشم و کین و آزار و غرور و ستم و دروغ و تسلیم و نابخردی و سنگدلی و خونریزی است .{

قسمتی از مقدمه دکتر محمدمبین ریاحی ، انتشارات سخن، شاهنامه فردوسی تصحیح ژول میل

حدود شصت هزار بیت با وزن ترکیبی ( 24 / 16 ) فعولن فعولن فعولن فعلول سروده شده است . در این ریتم ثابت نه تنها خواننده خسته نمی شود بلکه مضمون آن ، چنان انسان را به وجد می آورد که در وصف نمی گنجد . امید و شوق بهتر زیستن و خصایل گفته شده ناخودآگاه جزئی از شخصیت و منش شما می گردد

ب : آنچه که از ترانه های عروسی شنیده ام و بیاد دارم ، در پس اجرای زنده همه این آهنگها ، غم و اندوهی نجیب و شوق برانگیز نهفته است و ما انعکاس چنین غمی را در سراسر موسیقی سنتی به وضوح می توانیم مشاهده کنیم . همیشه با خودم می گفتم : شاید دلایل زیر علت حضور غم و اندوه در موسیقی مخصوص عروسی مردم ایلات باشد

1. دختران را از سنین خردسالی شوهر می دهند .

2. خانواده ، گاه دختر خود را که به ایلی دیگر رفته است ، یکسال به خاطر دوری راه نمی بیند

3. یکی از همیاران خانواده را از دست می دهند .

4. دختران را بجای خون بس « بست خونین » برای جلوگیری از نزاع و خونریزی مجدد ، شوهر می دهند و شاید دلایل دیگر

ولی با قبول دلایل فوق و دلایل دیگر ، مدتی است بر این باورم : غم و شادی از یکجا سرچشمه میگیرند . وقتی انسانی شادمان است اندوهی نهفته از درونش سر بر می آورد و هرگاه مصیبت یا اندوهی او را تسخیر میکند ، دیری نمی گذرد که شادمانی به سراغش می آید . به بیان دیگر ، مردم سرزمین ما ،ناخودآگاه و به رغبت ، اندوه خود را با شعر و ترانه آمیخته می کنند تا شادمانی از دل آن سر برآورد.

شما هم هرگاه دلتنگ هستید ، بیایید نغمه ای را با قدرت تمام بخوانید و فریاد برزید تا از فریاد بلندتان ، جانتان از غم و اندوه تخلیه شود .

ققنوس ، پرنده افسانه ای بر خرمنی از هیزم می نشیند و می خواند ، چنان پرشوق و غمبار می خواند تا هیمة ها به آتش کشیده شوند و از خاکسترش ، ققنوس بچه ای سر برآرد و افسانه شود برای تجسم حکایت غم و اندوه ما

ج : ترانه برزگری ، گفتگوی معشوق کوچ کرده به بیلاق است ،با عاشق مانده در گرمسیر، برای درو کردن و برداشت محصول .

این گفتگوی عاشقانه ، از آنچنان ظرفیتی برخوردار است که هم عشق آسمانی و هم عصیان اجتماعی را می توان از آن برداشت کرد . وقتی من به عمق مضامین و لطافت اشعار نگاه می کنم ، اهمیت ابیات آن را کمتر از ابیات منظومه خسرو و شیرین نظامی نمی بینم . با این تفاوت که نظامی، بلند و پیچیده ، ولی مردمان ایلات ، مختصر و بی پرده و عیان سروده اند .

در قسمتی از منظومه خسرو و شیرین ، فرهاد با کوه بیستون گفتگوی بسیار زیبایی دارد

که ای کوه ار چه داری سنگ خاره

جوانمردی کن شو باره باره

وگر نه من به حق جان جانان

که تا آن دم که باشد در تم جان

نیاساید تتم ز آزار با تو

کنم جان بر سر پیکار با تو

این اشعار را با ترجمه اشعار برزگری ، که از نظر گردش ملودی بسیار زیباتر از آواز بیات کرد در موسیقی دستگاهی است ، میتوان مقایسه کرد و درد مشترک و عشق مشترک را که پیام و پند بلندی است برای انسانها ، در آنان مشاهده نمود .

علی اکبر شکارچی

قسمت اول برنامه	دستگاه ماهر
1. شاهنامه خوانی	ساز و آواز تدوین : علی اکبر شکارچی
اشعار : به نام خداوند جان و خرد زمانه به یکسان ندارد درنگ که گردون نگردهد مگو بر بهی چنین است کردار گردان پیر الا ای برآورده چرخ بلند چو بودم جوان برترم داشتی «فردوسی»	کزین برتر اندیشه برنگذرد گهی شهد و نوش است و گاهی شرنگ به ما بازگردد کلاه مهی گهی چون کمان است و گاهی چو تیر چه داری به پیری مرا مستمند؟ به پیری مرا خوار داشتی
2. چهار مضرب کمند	ساخته: علی اکبر شکارچی
3. خسروانی	بداهه نوازی
4. چهار مضرب فعلی	ساخته: علی اکبر شکارچی
5. گوشه فعلی - افشاری	ساز و آواز
چند این شب و خاموشی وین آتش خندان را گر سوختنم باید ای عشق بزنی در من صد دشت شقایق تا خود به کجا آخر	وقت است که برخیزم با صبح برانگیزم افروختنم باید کز شعله نبرهیزم چشم در خون دلم دارد با خاک در آمیزم
6. تکنوازی بر اساس گوشه نصیرخوانی	بداهه نوازی
7. تصنیف ای تیر ای تیر غمت دل عشاق نشانه تا کی به تمنای وصال تو یگانه هرکس به زبانی صفت حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه شعر از : خیالی بخارایی	جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
8. گوشه دلکش: تکنوازی و تصنیف بر اساس شعری از مولانا جلال الدین رومی	ساخته : علی اکبر شکارچی
باز فرو ریخت عشق از در و دیوار من آه که سودی نکرد ناله بسیار من	باز در آمد ز راه فتنه طرار من
9. فرود ، اجرای گوشه راک کشمیر	
10. تصنیف عشق تو آتش : ساخته : علی اکبر شیدا	
عشق تو آتش جانا زد بر دل من روی تو چون دید دل بهتر ز لیلی وصل تو مشکل جان دادن آسان	بر باد غم داد عشقت آب و گل من شد زنجیر دام مجنون دل من یارب کن آسان این مشکل من
11. رنگ قدیمی به روایت استاد بهاری	

قسمت دوم برنامه	الف: در پرده های دستگاه شور
1. ترانه عروسی با گویش بختیاری	آهنگ و اشعار : محلی
ترجمه اشعار : آمدیم نزدیک خانه شما می نوازیم سرنا و دهل می خواهیم چراغ شب و روزم و خرمن گل را ببریم ای کسانیکه کل می زنید کل تان را بلندتر بزیند هر کدامتان خواهر داماد هستیید از ته دل کل بزیند ای خروس بخوان از شب تا به صبح بخوان نوکت را طلا می گیرم و هر دو بالت را زعفران ای برادر جان ، جان من قربان تو کی می آید روز شادی و شب حنابندان تو	
2. ترانه عاشقانه با گویش کُردی کرمانشاهی	
آهنگ و اشعار : محلی	
3. انطباق آواز بیات کُرد از موسیقی دستگاهی با ترانه کار و عاشقانه برزگری، ویژه ایل بختیاری	
ترجمه اشعار: - همه زندگی و محصول من تویی ، شب برای تو نمی خواهم افسوس که رود و کوه بی آب بین ماست - ای گل‌های خوشبوی وحشی بو ندهید که من از بوی شما سیرم من اسیر و گرفتار کسی هستم که در گرمسیر است - یا بگو می آیم یا بگو نمی آیم کور شد هر دو چشمم از بس چشم به راه تو ماندم - گندم کم پشت و کوتاه ، کمرم را مثل چرم آفتاب خورده خشک کرده بروید به آن نازنینم بگوید گرما مرا کشت - چوب چادر سیاه را گرفت و بلند شد راه را نگاه کرد ، یارش را ندید ، غمگین دوباره نشست - یا با داس یا با دست یا با دندان خودت را نجات بده از آن کاری که مثل زندان است - در میان کوهستان و در پای چشمه ساران دست بر گردنت کنم ای سبزه شیرینم	
4. رقص های لُری به ترتیب : سنگین سماع ، رقص سه پا و رقص دو پا	

4 . رقص کابوکی و واریاسیون های مختلف بر اساس ملودیهای کُردی
ب: در پرده های موسیقی لُری
1. آهنگ علی دوسی : آهنگی است با ریتم آزاد که اشعار آن مناسب حال خواننده :مضمون عاشقانه ، شیکوه از روزگار و غیره را دارد . پارانم مرا مست کردند و چشمانم را خواب گرفت تا از خواب بیدار شدم ، دنیا از دستم رفت کوچ کنیم از این سرزمین دلگیر ، کوچ کنیم تو از غصه و من از حسرت ، هردو پیر شدیم
2. ترانه عاشقانه برف رنگارنگ : اشعار به گویش لکی که یکی از اقوام لُر است . ترجمه اشعار: بگذار برف رنگارنگ ببارد گردنه ها را بیوشاند و راه ها را بند بیاورد بر سر راه نشسته ام تا از تو خبری بیاورد هر ساعتی یکسال بر من می گذرد گر گرفته ام و آتش از من زیانه می کشد خاکسترم را باد از دیاری به دیاری می برد
3 .علی دوسی: ترجمه: روزگار و عمرم گذشت و دلم شاد نگردید عمرم را مثل گرد خرمن باد می برد ای روزگار که چنین تلخی زود بگذر بگذر که من طاقت به سر بردن شب را ندارم
4 . رقص های لُری به ترتیب : سنگین سماع ، رقص سه پا و رقص دو پا